

بررسی روایی، پایایی و ساختار عاملی فرم فارسی پرسشنامه کیفیت دل‌بستگی بزرگ‌سالان (MAQ) در همسرها: مفهوم‌سازی چندبعدی دل‌بستگی زناشویی

امید عیسی نژاد^۱

منصور آگشته^۲

مهران علی‌پور^۳

چکیده

رویکردهای نوین به مفهوم‌سازی و سنجش ابعاد دل‌بستگی، الگوی مبتنی بر طبقه‌بندی را نا پذیرفته می‌دانند. با این وجود هنوز ابزارهای سنجش دل‌بستگی بزرگ‌سالان که در ایران مورد استفاده قرار می‌گیرد، افراد را بر پایه نوع دل‌بستگی طبقه‌بندی و جایگذاری می‌کنند. این پژوهش با هدف طرح مدل‌های نوین سنجش دل‌بستگی، به ترجمه و بررسی ویژگی‌های پایایی، روایی و بررسی ساختار عاملی پرسشنامه کیفیت دل‌بستگی (MAQ) در میان بزرگ‌سالان متأهل پرداخت. پژوهش به روش توصیفی و زمینه‌یابی انجام گرفت. نمونه دربرگیرنده ۵۲۰ نفر بود که از میان افراد متأهل مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره و فرهنگسراهای شهر اصفهان که حاضر به همکاری بودند به شیوه تصادفی انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش دربرگیرنده پرسشنامه کیفیت دل‌بستگی، مقیاس حرمت خود و مقیاس رضایت از زندگی بود. یافته‌ها افزون بر تائید درستی ترجمه پرسشنامه کیفیت دل‌بستگی، نشان داد که میزان آلفای کرون باخ و ضریب دونیمه گاتمن برای تمام ابعاد پرسشنامه بالاتر از ۰/۷ است و همبستگی هر گویه با عامل مربوطه بالاتر از ۰/۶ است. همبستگی نمرات باز آزمایشی با فاصله ۳ ماه برای تمام ابعاد بالاتر از ۰/۷ به دست آمد. نتایج تحلیل عاملی تائیدی، ساختار ۴ عاملی پرسشنامه را تائید نمود. نتایج آزمون همبستگی نشان داد که میان دل‌بستگی ایمن با رضایت از زندگی و حرمت خود رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. همچنین رابطه میان دل‌بستگی اجتنابی، دل‌بستگی دوسوگرای اضطرابی-اجتنابی و دل‌بستگی دوسوگرای نگران با رضایت از زندگی منفی به دست آمد ($p < 0/01$). رابطه میان دل‌بستگی اجتنابی و دل‌بستگی دوسوگرای اضطرابی-اجتنابی با حرمت خود منفی به دست آمد ($p < 0/05$). ارتباط میان دل‌بستگی اجتنابی و دل‌بستگی دوسوگرای اضطرابی-اجتنابی و دل‌بستگی دوسوگرای نگران با هم مثبت به دست آمد ($p < 0/01$). بر پایه یافته‌های پژوهش می‌توان گفت پرسشنامه کیفیت دل‌بستگی (MAQ) در جامعه پژوهش‌دارای روایی و اعتبار بهینه است و می‌تواند در امور بالینی و پژوهشی گستره زوج و خانواده به‌ویژه مشاوره پیش از ازدواج کاربرد داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: پرسشنامه کیفیت دل‌بستگی، اعتبار، روایی، ساختار عاملی.

مقدمه

نظریهٔ دل‌بستگی چهارچوب مناسبی را فراهم می‌کند که به فهم بهتر روابط فردی و زناشویی و شیوه‌های مقابله‌ای کمک می‌کند. پژوهش‌ها نشان داده است که دل‌بستگی مفهوم مهمی در مطالعه و درک شیوه‌های ارتباط همسرهاست (هازن و شیور^۱، ۱۹۸۷؛ وایت‌وی^۲، ۲۰۰۲؛ هسلی^۳، ۲۰۰۶؛ اولدرباک و فیگرو^۴، ۲۰۰۹). دل‌بستگی بزرگ‌سالان به‌عنوان رابطه‌ای دوجه‌دو و متقابل تعریف می‌شود که در آن هم‌جواری با یک شخص خاص ترجیح داده شده و منجر به دست یافتن به احساس ایمنی می‌گردد (وست و شلدون کلر^۵، ۱۹۹۴؛ لیوی و لیتمن - اوادی^۶، ۲۰۱۱).

هرگاه فرد در روابط زناشویی و یا عاشقانه‌اش احساس تهدید نماید، سبک دل‌بستگی به کار می‌افتد و بر شیوهٔ پاسخ فرد به موقعیت تأثیر می‌گذارد (الفاسی، کرامزو و کرانلی^۷، ۲۰۱۰). در روابطی که یکی از حالت‌های دل‌بستگی وجود دارد این تحریک می‌تواند موقعیتی به وجود آورد که منجر به عدم اعتماد در روابط زناشویی شود یا شرایطی به وجود آورد که در یک رابطهٔ حمایتی متقابل منجر به همکاری و تعامل بیشتر شود و یا به تغییر و اصلاح باورها و احساسات کنونی فرد دربارهٔ کنونی‌اش بیانجامد (کرولی^۸، ۲۰۰۶). همسرها بیشتر در روابط زناشویی خود از زنجیره‌ای از تعاملات و الگوهای ارتباطی پیروی می‌نمایند که این الگوها در موقعیت‌های تنش‌زا هم می‌توانند به‌صورت مثبت و فعال و کارکردی عمل نمایند و رابطهٔ زناشویی را ارتقاء داده و غنی‌تر کنند و هم می‌توانند منجر به تنش‌های ارتباطی و تعارضات زناشویی شوند، این که در رویارویی با مسائل کدام حالت رخ می‌دهد بستگی به شیوهٔ پاسخگویی و واکنش زوج به موقعیت دارد و متأثر از الگوهای کاری و سبک‌های دل‌بستگی است (کریسی^۹، ۲۰۰۲).

پرسشنامه‌های ناهمسانی برای بررسی سبک‌های دل‌بستگی بزرگ‌سالان ساخته شده است که همگی بر پایهٔ ترکیبی از سه بعد شناختی، رفتاری و هیجانی دل‌بستگی سازمان‌یافته‌اند. نخستین ابزار ساخته شده، پرسشنامه دل‌بستگی بزرگ‌سالان است که به‌وسیلهٔ هازن و شیور (۱۹۸۷)

1. Hazan & Shaver

2. Whiteway

3. Haseley

4. Olderbak & Figueredo

5. West & Sheldon- Keller

6. Lavy & Littman- Ovadia

7. Alfasi, Gramow & Cranell

8. Crowley

9. Creasey

ساخته شده است. این پرسشنامه سه نوع سبک دل‌بستگی را می‌سنجد که عبارت‌اند از ایمن، اجتنابی و دو سو گرا. این پرسشنامه بر پایه نظریه اینورث^۱ (۱۹۷۸) درباره سبک دل‌بستگی ساخته شده و بیشتر «رفتارهای» نشانگر دل‌بستگی را می‌سنجد. در مفهوم‌سازی دیگری، بارثولومئو و هارویتز (۱۹۹۱) سبک دل‌بستگی را بر پایه دو محور اجتناب و اضطراب تبیین نمودند و پرسشنامه دیگری برای سبک دل‌بستگی ایجاد کردند که دو مقیاس متعامد- اضطراب و اجتناب- دارد و بر پایه آن چهار سبک دل‌بستگی تعیین می‌شود. این پرسشنامه ترکیبی از ابعاد رفتاری و هیجانی دل‌بستگی را می‌سنجد (بارثولومئو و هارویتز^۲، ۱۹۹۱). برنان، کلارک و شیور^۳ (۱۹۹۸) نیز پرسشنامه همسانی با نام تجربه صمیمیت در روابط (ECR) ساختند که دو مقیاس اضطراب و اجتناب دارد و ۴ سبک دل‌بستگی را می‌سنجد. هم‌اکنون فرم نوین این پرسشنامه (ECR-R) به وسیله فرالی، والر و برنان^۴ (۲۰۰۰) ایجاد شده است. در این شیوه عملیاتی نمودن^۵ که بر پایه منطق بولین^۶ است، هر فرد در ابعاد اضطراب و اجتناب یا در نقطه بالا قرار دارد یا در نقطه پایین و بر پایه جایگشت فرد در نقاط بالا و پایین سبک دل‌بستگی تعیین می‌گردد. بنابراین سازه‌های اضطراب و اجتناب نیز به صورت دوقطبی مفهوم‌سازی شده‌اند (مضطرب- غیر مضطرب و اجتنابی- غیر اجتنابی). افزون بر آن، اگرچه در مدل نظری بعد شناختی (نگرش مثبت و منفی نسبت به خود و دیگران) نیز به‌عنوان مؤلفه‌های سبک دل‌بستگی ذکر شده است (بارثولومئو و هارویتز، ۱۹۹۱؛ برنان، کلارک و شیور، ۱۹۹۸؛ فرالی، والر و برنان، ۲۰۰۰) ولی در مدل‌های سنجشی ارائه شده به وسیله نظریه پرداز، این مؤلفه لحاظ نشده است. عملیاتی نمودن سبک دل‌بستگی به این شیوه، باعث می‌شود مدل سنجشی^۷ با مدل نظری^۸ و مشاهدات تجربی فاصله داشته باشد. پرسشنامه‌های مذکور برای هر سبک، خرده مقیاس جداگانه ندارند، بلکه بر پایه نمره پایین یا بالا در دو مقیاس اضطراب و اجتناب، چهار سبک دل‌بستگی تشخیص داده می‌شود.

1. Ainsworth

2. Bartholomew & Horowitz

3. Brennan Clark & Shaver

4. Fraley Waller & Brennan

5. operationalization

6. boolean logic

7. assessment model

8. theoretical model

فرالی و اسپیکر^۱ (۲۰۰۳) بر پایه یافته‌های یک مطالعه میدانی تاکسومتریک، طبقه‌بندی موجود به شیوه جایگذاری فرد در یک طبقه را نقد و رد کردند. در پژوهش مذکور نتایج برآمده از بررسی داده‌های کدگذاری به‌وسیله مشاهده‌گران رفتار کودکان نشان داد که به‌جای طبقه‌بندی ویژگی‌های رفتاری و جایگذاری افراد در طبقه‌ها، بهتر است دل‌بستگی به‌صورت ابعادی^۲ تعریف شود که افراد بر پایه یک طیف بر روی آن قرار می‌گیرند. از نظر فرالی و اسپیکر (۲۰۰۳) اگرچه مفهوم‌سازی طبقه‌ای سبک دل‌بستگی به فراوانی مورد استفاده قرار گرفته است، ولی در واقع به‌صورت تجربی نمی‌توان افراد را طبقه‌بندی نمود.

اگرچه پژوهش فرالی و اسپیکر (۲۰۰۳) با کودکان انجام شد، ولی از آنجایی که این الگوهای پاسخ‌دهی به دوره بزرگ‌سالی انتقال می‌یابند و تعیین‌کننده بخش عمده‌ای از پویایی‌های زناشویی هستند، در نتیجه می‌توان انتظار داشت که نقد فرالی و اسپیکر (۲۰۰۳) قابل انتقال به الگوهای دل‌بستگی بزرگ‌سالان نیز باشد. با وجود نگرش نوین و انتقادی که از این یافته‌ها به دست آمد، مدل سنجشی‌ای که بتواند یافته‌های این پژوهشگران را عملیاتی و کاربردی نماید ارائه نشد.

در مقابل فینی، نولر و هانراهان^۳ (۱۹۹۴) پرسشنامه جدیدی با نام پرسشنامه سبک‌های دل‌بستگی^۴ (ASQ) را برای سبک‌های دل‌بستگی ایجاد کردند که ۵ سبک دل‌بستگی را می‌سنجد که هر سبک سؤالات جداگانه‌ای دارد و سبک‌ها تا حد قابل قبولی همپوشی دارند و ابعاد دل‌بستگی را می‌سنجند. کارور (۱۹۹۷) نیز در مفهوم‌سازی دیگری، به‌جای سبک‌های قطبی و خالص، سبک‌های دل‌بستگی را به‌صورت سازه‌هایی متمایل^۵ بازتعریف^۶ نمود. بر پایه مفهوم‌سازی نوین، سبک دل‌بستگی بیشتر گرایش به رفتارهای دل‌بستگی خاص را نشان می‌دهد. در نتیجه می‌توان انتظار داشت که یک فرد اجتنابی گاهی اوقات رفتارهای دو سو‌گرایی و نگرانی نیز بروز دهد. این بازتعریف از گرایش‌های دل‌بستگی به مدل نظری و مشاهدات تجربی نزدیک‌تر است. کارور (۱۹۹۷) برای تکمیل مدل سنجشی خود، پرسشنامه‌ای برای سبک

1. Fraley & Spieker

2. dimension

3. Feeny Noller & Hanrahan

4. Attachment Style Questionnaire (ASQ)

5. oblique

6. reconstruct

دل‌بستگی تدوین کرد که علاوه بر ابعاد رفتاری (اجتناب) و هیجانی (اضطراب)، بر پایه نگرش مثبت و منفی نسبت به خود و دیگران (بعد شناختی) چهار گرایش دل‌بستگی را تفکیک می‌کند (هولست و میلر^۱، ۲۰۰۵). پرسشنامه سنجش کیفیت دل‌بستگی^۲؛ کارور، (۱۹۹۷) دارای چهار بعد است و برای هر بعد یک نمره به دست می‌دهد.

چهاربعدهی که از این پرسشنامه به دست می‌آید عبارت‌اند از ایمن، اجتنابی، دو سو گرای نگران و دو سو گرای اجتنابی- اضطرابی. این پرسشنامه با استفاده از چارچوب نظری بارثولومئو و هارویتز (۱۹۹۱) درباره سبک‌های دل‌بستگی ساخته شده است. در بعد شناختی فردی که نگرش مثبت به خود و دیگران دارد دارای سبک دل‌بستگی ایمن، نگرش مثبت به خود و نگرش منفی به دیگران دارای سبک دل‌بستگی دو سو گرای نگران، نگرش منفی نسبت به خود و نگرش مثبت به دیگران دارای سبک دل‌بستگی دوسوگرای اجتنابی- اضطرابی و نگرش منفی به خود و دیگران نشانگر سبک دل‌بستگی اجتنابی است (هولست و میلر، ۲۰۰۵).

بر پایه مدل‌های سنجش سبک دل‌بستگی (فرالی و اسپیکر، ۲۰۰۳)، مدل‌های ارائه شده به وسیله بارثولومئو و هارویتز (۱۹۹۱) برنان، کلارک و شیور، (۱۹۹۸)، فینی، نولر و هانراهان (۱۹۹۴)، فرالی، والر و شیور^۳ (۲۰۰۰) و سایر مدل‌های دومیوری سبک دل‌بستگی، جزو مدل‌های توانایی و مدل ارائه شده به وسیله کارور (۱۹۹۷) جزء مدل‌های آمیخته یا چندوجهی است. با نگاهی کارکردگرایان به این دودسته مدل، می‌توان گفت که مفهوم‌سازی بر پایه مدل توانایی، سازه‌ای به دست می‌دهد که چندان قابل ارتقا نیست و در طول عمر از پایایی نسبی برخوردار است. افزون بر آن در مدل‌های توانایی سبک دل‌بستگی، با نگاهی به سؤالات پرسشنامه‌ها، به نظر می‌رسد دو محور اضطراب و اجتناب تقریباً نوع صفتی این متغیرها هستند. در نتیجه در دیدگاه مدل‌های توانایی، سبک دل‌بستگی تنها برای بررسی‌های توصیفی و پیش‌بینی همایندها قابلیت کاربرد دارد و می‌تواند سازه‌ای قابل اعتماد در برآورد سایر سازه‌ها یا پیش‌بینی کارکرد فرد باشد. ولی از این حیث که بتوان آن را ارتقا داد یا مداخله‌ای در زمینه جهت دادن به آن انجام داد، چندان قابلیت دست‌کاری و ارتقا ندارد. در مقابل در مفهوم‌سازی بر پایه مدل‌های آمیخته، برنامه

1. Hollist & Miller

2. Measure of Attachment Qualities (MAQ)

3. Fraley Waller & Brennan

های ارتقا و جهت‌دهی سبک دل‌بستگی قابل پیشنهاد است و درعین حال در پژوهش‌ها توصیفی به‌منظور پیش‌بینی نیز به کار گرفته شده است (هوئینولت، وینگرهاوتس و دنولت^۱، ۲۰۱۱). درمانگران می‌توانند با آموزش یا درمان، گرایش‌های دل‌بستگی را جهت دهند. به نظر می‌رسد مفهوم‌سازی بر پایه مدل‌های آمیخته مفیدتر از مدل‌های توانایی باشد.

در تحقیقات پیشین (نافتلی و شیور^۲، ۲۰۰۶) رابطه میان ویژگی‌های شخصیتی و ابعاد دل‌بستگی بررسی شده و یافته‌ها نشان داده است که دل‌بستگی می‌تواند کیفیت روابط میان فردی و زناشویی را تبیین نماید. سیبلی^۳ (۲۰۰۷) در پژوهشی رابطه وابستگی و استقلال را با اجتناب و دو سو‌گرایی موردبررسی و تأیید قرار داده است. هوئینولت، وینگرهاوتس و دنولت (۲۰۱۱) رابطه میان سبک‌های دل‌بستگی، حرمت خود و تیپ شخصیتی را بررسی نموده‌اند و نتایج نشان داد که تیپ شخصیتی نقش میانجی در رابطه میان حرمت خود و سبک شخصیتی دارد. وو^۴ (۲۰۰۹) و استاکرت و بوریسک^۵ (۲۰۰۳) نشان دادند که یکی از علل نارضایتی از زندگی، سبک دل‌بستگی و باورهای نادرست فرد درباره خودش، همسرش و درباره روابط زناشویی‌اش است. لیوی و لیتمن-اوادی^۶ (۲۰۱۱) نشان دادند که سبک دل‌بستگی ناایمن باعث کاهش رضایت از زندگی می‌شود و توانایی‌های میان فردی باعث تعدیل تأثیرات سبک دل‌بستگی بر رضایت از زندگی می‌شود.

در این پژوهش ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه سنجش کیفیت دل‌بستگی (MAQ) بررسی شد. از آنجایی که بعد شناختی سبک دل‌بستگی به بررسی نگرش فرد نسبت به خود می‌پردازد و با توجه به اینکه بعد رفتاری دل‌بستگی دربرگیرنده اجتناب از روابط میان فردی و بعد هیجانی دل‌بستگی دربرگیرنده دو سو‌گرایی اجتنابی و اضطرابی است (کارور، ۱۹۹۷)، برای بررسی روایی پرسشنامه کیفیت دل‌بستگی کارور (۱۹۹۷)، پرسشنامه حرمت خود روزنبرگ و پرسشنامه رضایت از زندگی به صورت هم‌زمان اجرا شد.

1. Huis'in- Velt, Vingerhoets & Denollet

2. Nofle & Shaver

3. Sibley

4. Wu

5. Stackert & Bursik

6. Lavy & Littman- Ovadia

روش

این پژوهش توصیفی و از نوع زمینه‌یابی است که در چند مرحله صورت گرفته است. در مرحله اول پرسشنامه ترجمه و روایی صوری و صحت ترجمه آن بررسی شد. در مرحله دوم همسانی درونی و اعتبار پرسشنامه بررسی شد. در گام سوم ساختار عاملی و در نهایت روایی (هم‌زمان) آن بررسی شد. جامعه آماری در مرحله اول پژوهش دربرگیرنده کلیه دانشجویان متأهل مقطع تحصیلات تکمیلی رشته‌های زبان انگلیسی دانشگاه اصفهان و در سایر مراحل دربرگیرنده افراد متأهل و همسرهای مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره و فرهنگ‌سراهای سطح شهر اصفهان در زمستان ۸۸ و بهار ۸۹ بود. حجم نمونه جمعاً دربرگیرنده ۵۲۰ نفر بود، بدین صورت که از تمام افراد حاضر به همکاری درخواست شد که در فرمی مشخصات خود را ارائه نمایند تا در صورت نیاز از آن‌ها درخواست شود که در پژوهش همکاری نمایند. در مرحله اول از میان دانشجویان متأهل مقطع تحصیلات تکمیلی رشته‌های زبان انگلیسی دانشگاه اصفهان ۴۰ نفر به صورت تصادفی و از روی لیست دانشجویان در سامانه، انتخاب و پرسشنامه در میان آن‌ها اجرا گردید که ۳۸ پرسشنامه قابل نمره‌گذاری بود. در مرحله دوم به منظور بررسی اعتبار پرسشنامه، در میان ۱۳۰ نفر پرسشنامه اجرا شد که تنها ۱۰۰ پرسشنامه قابل تحلیل بود. در مرحله سوم برای بررسی روایی ساختاری و همگرا، پرسشنامه برای ۶۰۰ نفر ارسال شد. از این میان، ۴۲۱ پرسشنامه برگشت یافت و تنها ۳۸۲ پرسشنامه قابل نمره‌گذاری بود و مورد تحلیل قرار گرفت و مابقی به دلیل ناقص و یا مخدوش بودن کنار گذاشته شدند. در هر سه مرحله، نمونه‌گیری به شیوه تصادفی ساده و از روی لیست انجام شد.

ابزارهای پژوهش

به منظور جلب بالاترین میزان همکاری افراد شرکت‌کننده از کوتاه‌ترین پرسشنامه‌های ممکن استفاده شد که عبارت‌اند از:

پرسشنامه کیفیت دل‌بستگی^۱. این پرسشنامه به وسیله کارور (۱۹۹۷) برای سنجش الگوی چهار مقوله‌ای دل‌بستگی ساخته شده است و دربرگیرنده ۱۴ گزاره است که پاسخ‌های آن بر پایه طیف چهارگزینه‌ای، به صورت نمره ۱ برای گزینه‌ی به شدت مخالف تا نمره ۴ برای گزینه کاملاً موافق نمره‌گذاری می‌شود (هولیت و میلر، ۲۰۰۵). این مقیاس دارای چهار عامل

^۱. Measure of Attachment Qualities (MAQ)

درب‌گیرنده سبک دل‌بستگی ایمن، دل‌بستگی اجتنابی، دل‌بستگی دوسوگرای نگران و دل‌بستگی دوسوگرای اضطرابی-اجتنابی (آشفته) است. میزان آلفای کرون باخ در پژوهش کارور (۱۹۹۷) برای هر کدام از این عامل‌ها به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۶۸، ۰/۷۱ و ۰/۶۹ به دست آمده است.

مقیاس حرمت خود روزنبرگ^۱. این ابزار به وسیله روزنبرگ (۱۹۶۵) ساخته شده است و درب‌گیرنده ۱۰ عبارت کلی است که در آن ۵ جمله با لغات منفی و ۵ جمله با محتوی مثبت بیان شده است و به هر سؤال بر پایه مقیاس چهارگزینه‌ای (کاملاً موافق، موافق، مخالف و کاملاً مخالف) نمره داده می‌شود. نمرات این مقیاس از ۰-۳ مرتب و ۳۰ بالاترین نمره ممکن است. در پژوهش رجبی و بهلول (۱۳۸۶) نتایج تحلیل عاملی، ساختار دو عاملی مقیاس روزنبرگ را در نمونه دانشجویان در ایران تأیید نموده است. همچنین ضریب همسانی درونی در نمونه دانشجویان ایرانی، ۰/۸۴ و میزان همبستگی آن با مقیاس وسواس مرگ ۰/۳۴- به دست آمده که به ترتیب نشانگر اعتبار و روایی واگرای مقیاس در نمونه ایرانی است (رجبی و بهلول، ۱۳۸۶). در پژوهش حاضر میزان پایایی مقیاس به شیوه همسانی درونی (آلفای کرون باخ) ۰/۷۹ به دست آمد.

مقیاس رضایت از زندگی^۲. این ابزار به وسیله دینر، ایمونز، لارسن و گریفین^۳ (۱۹۸۵)، برای سنجش رضایت از زندگی ساخته شده است و دارای ۵ گویه است که به صورت نمره ۱ برای کاملاً مخالفم تا نمره ۵ برای کاملاً موافقم نمره‌گذاری می‌شود. پژوهش دینر و همکاران (۱۹۸۵) نشان داده که این مقیاس دارای ساختار تک عاملی است. همچنین از روایی ملاکی و اعتبار همگرای مطلوبی نیز برخوردار است (مت^۴، ۲۰۰۸). میزان پایایی این مقیاس به شیوه آلفای کرون باخ در ایران در پژوهش مظفری (۱۳۸۲)، ۰/۸۵ و به شیوه باز آزمایی ۰/۸۲ به دست آمده است. در پژوهش حاضر میزان پایایی مقیاس به شیوه همسانی درونی (آلفای کرون باخ) ۰/۸۶ به دست آمد.

1. Rosenberg Self Esteem Scale

2. Satisfaction With Life Scale (SWLS)

3. Diener, Emmons, Larsen & Griffin

4. Matt

یافته‌ها

در مرحله‌ی اول پژوهش، پس از ترجمه پرسشنامه MAQ، نسخه فارسی و نسخه انگلیسی همراه با ویژگی‌های روان‌سنجی فرم اصلی آن که به وسیله کارور (۱۹۹۸) بررسی شده است، در اختیار ۵ تن از اساتید گروه روانشناسی و گروه مشاوره دانشگاه اصفهان (با مرتبه علمی حداقل دانشیار) قرار گرفت تا انطباق دو فرم را بررسی نموده و نظرات اصلاحی خود درباره نسخه فارسی و کفایت آن برای سنجش سبک دل‌بستگی ذکر نمایند.

پس از اعمال نظرات و دریافت تائید کارآزمودگان، مجدداً پرسشنامه تنظیم شد و در اختیار ۳۸ نفر از دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد و دکتری گروه زبان انگلیسی قرار گرفت تا از تشابه نتایج و فهم یکسان از گویه‌های فارسی و انگلیسی اطمینان حاصل گردد. این نمونه دربرگیرنده ۱۱ مرد و ۲۷ زن بود که میانگین و انحراف استاندارد سن مردان به ترتیب ۲۷/۱۱ و ۳/۰۵ و برای زنان ۲۹/۰۹ و ۴/۱۶ به دست آمد. در پایان پرسشنامه‌ها، از پاسخ‌دهندگان درخواست شد تا نظرشان را درباره میزان انطباق فرم فارسی و انگلیسی بر پایه طیف ۵ گزینه‌ای (از کاملاً منطبق ۵ تا کاملاً مغایر ۱) نمره‌گذاری کنند. همبستگی میان نمرات نسخه فارسی و انگلیسی ۰/۹۱ به دست آمد ($p < ۰/۰۱۸$) که نشانگر انطباق بسیار عالی فرم فارسی و انگلیسی (فرم اصلی) است. همچنین ۳۱ نفر (۸۲٪) از پاسخ‌دهندگان معتقد بودند که دو فرم و لاتین کاملاً منطبق (نمره ۵) و ۷ نفر آن را تا حدودی زیادی (نمره ۴) منطبق دانسته بودند.

در مرحله دوم برای بررسی پایایی پرسشنامه از روش همسانی درونی و باز آزمایی استفاده شد. حجم نمونه دربرگیرنده ۱۰۰ نفر (۶۸ زن و ۳۲ مرد) بود که از میان کسانی که به مراکز مشاوره و فرهنگسراهای سطح شهر اصفهان در زمستان ۸۸ و بهار ۸۹ مراجعه کردند و حاضر به همکاری بودند به شیوه تصادفی ساده انتخاب شدند. میانگین و انحراف استاندارد سن مردان به ترتیب ۳۴/۰۹ و ۵/۹۲ و برای زنان ۳۳/۶۷ و ۷/۱۶ به دست آمد. میزان آلفای کرون باخ، برای بعد دل‌بستگی ایمن ۰/۷۶، دل‌بستگی اجتنابی ۰/۸۱، دل‌بستگی دوسوگرای نگران ۰/۸۳ و دل‌بستگی دوسوگرای اضطرابی-اجتنابی (آشفته) ۰/۸۵ و ضریب دونیمه گاتمن برای ابعاد مذکور به ترتیب ۰/۷۰، ۰/۷۲، ۰/۷۶ و ۰/۸۰ به دست آمد. همبستگی نمرات پرسشنامه به روش باز آزمایی با فاصله ۳ ماه برای عامل‌های مذکور به ترتیب ۰/۷۱، ۰/۷۵، ۰/۷۰ و ۰/۷۹ به دست آمد.

همچنین ضریب همبستگی هر گویه با نمره کل عامل مربوط به همان گویه در تمام گویه های پرسشنامه بالاتر از ۰/۶ به دست آمده است که نشان می‌دهد نیازی به حذف یا تغییر شیوه نمره‌گذاری گویه‌های پرسشنامه نیست. مجموع ضرایب و مقادیر به دست آمده نشانگر همسانی درونی و اعتبار قابل قبول این پرسشنامه است.

در مرحله سوم ساختار عاملی پرسشنامه بررسی شد و مدل چهار عاملی (کارور، ۱۹۹۷) و مدل سه عاملی (هازان و شیور، ۱۹۸۷) برازش شد. جهت بررسی ساختار عاملی پرسشنامه از تحلیل عاملی تأییدی^۱ (CFA) استفاده شد. برازش مدل‌های عاملی با استفاده از مجذور خی، ریشه‌ی خطای میانگین مجذورات تقریب^۲ (RMSEA)، ملاک اطلاعات آکائیک (AIC)^۳، شاخص برازش تطبیقی^۴، شاخص نرم نشده برازندگی^۵ شاخص نیکویی برازش^۶ و شاخص نیکویی برازش اصلاح شده^۷ و به کارگیری نرم‌افزار لیزرل ۸/۸ صورت گرفت.

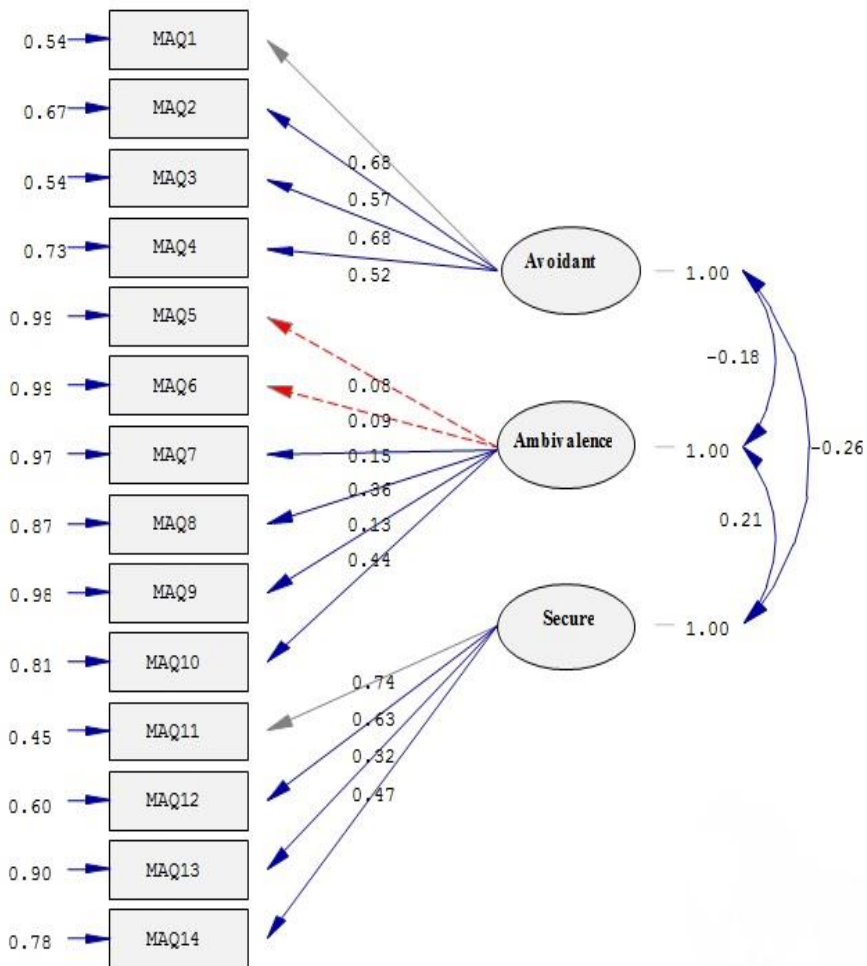
جدول ۱. شاخص‌های برازش مدل

مدل‌ها	MINx ²	p	DF	AIC	RMSEA	NNFI	GFI	AGFI	CFI
مدل سه عاملی	۱۳۲/۳۹	۰/۰۰۱	۷۴	۱۶۶/۹۵	۰/۰۳	۰/۸۰	۰/۹۷	۰/۹۶	۰/۸۳
مدل چهار عاملی	۱۰۳/۹۰	۰/۰۶	۷۱	۱۴۳/۳۱	۰/۰۲	۰/۹۶	۰/۹۸	۰/۹۷	۰/۹۷

نتایج تحلیل عاملی تأییدی پرسشنامه (MAQ) در جدول (۱) آمده است. نتایج به دست آمده برای مدل ۳ عاملی بر پایه نظر هازان و شیور (۱۹۸۷) و مدل چهار عاملی کارور (۱۹۹۷) نشان می‌دهد که به طور کلی هر دو مدل از دید انطباق با داده‌ها برازش قابل قبولی دارند ($RMSEA < 0/05$ و $GFI > 0/95$)، ولی مدل چهار عاملی از دید انطباق با داده‌ها، دارای برازش بهتری است. شاخص نیکویی برازش (GFI) و شاخص برازندگی تطبیقی (CFI) برای مدل چهار عاملی به ترتیب ۰/۹۸ و ۰/۹۷ به دست آمد که بالاتر از مدل ۳ عاملی است. در مدل سه عاملی شاخص برازندگی تطبیقی (CFI) و شاخص نرم نشده برازندگی (NNFI) کمتر از ۰/۹۰ است و به حد بهینه نرسیده است و نشان می‌دهد همبستگی میان گویه‌های درون عامل‌ها

1. Confirmatory Factor Analyze
 2. Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA)
 3. Akaik Information Criteria
 4. Comparative Fit Index (CFI)
 5. Non.Normed Fit Index (NNFI)
 6. Goodness of Fit Index (GFI)
 7. Adjusted Goodness of Fit Index (AGFI)
 8. Lisrel

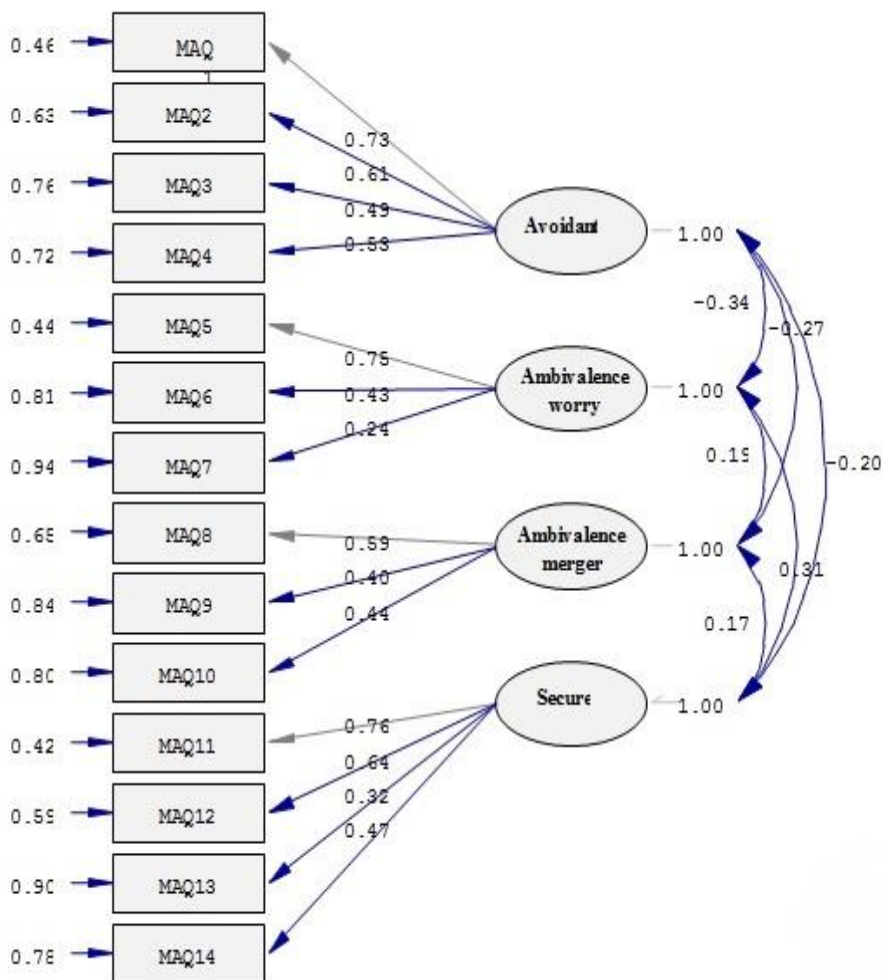
کفایت نمی‌کند. مجموع شاخص‌های به‌دست آمده نشان می‌دهد مدل چهار عاملی از برازش خوبی برخوردار است و با داده‌های به‌دست آمده انطباق دارد. بنابراین مدل چهار عاملی سبک دل‌بستگی که به‌وسیله کارور (۱۹۹۷) ارائه شده در جامعه مورد پژوهش مورد تأیید قرار گرفت. بارهای عاملی استاندارد هر گویه به هر عامل، در دو مدل به‌منظور بررسی پارامترهای منفرد ذکر می‌گردد.



Chi-Square = 154.95, df = 74, P-value = 0.00945, RMSEA = 0.029

شکل ۱. مدل سه عاملی و ضرایب مسیرواستاندارد

شکل (۱) نتایج برازش مدل سه عاملی را نشان می‌دهد. همان‌گونه که مدل نشان می‌دهد در عامل دوم بار عاملی گویه‌های ۵ و ۶ معنی‌دار نیست ($|T| < 1/96$) که با نقطه‌چین متمایز شده است. همچنین بار عاملی گویه‌های ۹ و ۷ نیز بسیار پایین است و میزان خطای آن‌ها بالاتر از ۰/۹۵ به دست آمده است که نشانگر آن است که شیوه بارگذاری با داده‌ها انطباق بهینه ندارد و احتمالاً یکی از دلایل افت CFI و NNFI نیز همین مسئله است. قدر مطلق مقدار T سوبل برای سایر مسیرها بالاتر از ۱/۹۶ به دست آمد که نشان می‌دهد سایر مسیرها معنی‌دار هستند.



Chi-Square = 133.14, df = 70, P-value = 0.06232, RMSEA = 0.023

شکل ۲. ضرایب مسیر استاندارد مدل ۴ عاملی

قدر مطلق مقدار T برای تمام مسیرها در مدل ۴ عاملی بالاتر از ۱/۹۶ به دست آمده و نشان می‌دهد تمام مسیرها و ضرایب معنی‌دار است. همچنین خطای برآورد تمام گویه‌ها کمتر از ۰/۹۵ است که نشانگر بارگذاری قابل‌پذیرش گویه‌ها به عامل‌هاست.

به منظور بررسی روایی هم‌گرای پرسشنامه (MAQ) پس از انجام تحلیل عاملی تأییدی، همبستگی نمرات پرسشنامه سبک‌های دل‌بستگی (MAQ) با پرسشنامه حرمت خود روزنبرگ و پرسشنامه رضایت از زندگی (SWLS) بررسی شد. نتایج همبستگی نمرات سه پرسشنامه مذکور در جدول (۲) آمده است.

جدول ۲. همبستگی سبک‌های دل‌بستگی با حرمت خود و رضایت از زندگی

۶	۵	۴	۳	۲	۱	
					-	دل‌بستگی ایمن
					-۰/۵۹ ^{**}	دل‌بستگی اجتنابی
				۰/۳۱ ^{**}	-۰/۲۹ ^{**}	دل‌بستگی دوسوگرای نگران
			۰/۵۱ ^{**}	۰/۴۱ ^{**}	-۰/۲۶ ^{**}	دل‌بستگی اضطرابی-اجتنابی
		-۰/۳۶ ^{**}	۰/۰۴	-۰/۲۱ ^{**}	۰/۵۷ ^{**}	حرمت خود
	۰/۶۱ ^{**}	-۰/۲۷ ^{**}	-۰/۳۸ ^{**}	-۰/۱۰ [*]	۰/۶۱ ^{**}	رضایت از زندگی
۱۵/۰۹	۱۹/۳۷	۵/۹۰	۵/۵۸	۸/۵۵	۹/۱۰	میانگین
۳/۳۷	۴/۹۵	۱/۶۳	۱/۷	۲/۱۶	۱/۱۱	انحراف استاندارد

* $p < 0/05$ ** $p < 0/01$ $n = 382$

همان‌گونه که در جدول (۲) مشاهده می‌شود همبستگی میان نمرات مربوط به عامل دل‌بستگی ایمن با سایر سبک‌های دل‌بستگی منفی است ($p < 0/01$). ارتباط میان سبک‌های دل‌بستگی غیر ایمن با هم مثبت به دست آمد ($p < 0/01$). رابطه حرمت خود با دل‌بستگی ایمن ۰/۵۷ و با سایر سبک‌های دل‌بستگی معکوس به دست آمد ($p < 0/01$). همچنین میزان ارتباط نمرات رضایت از زندگی با دل‌بستگی ایمن ۰/۶۱ و با نمرات سایر سبک‌های دل‌بستگی منفی به دست آمد ($p < 0/05$).

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش با هدف بررسی اعتبار، ساختار عاملی و روایی پرسشنامه کیفیت دل‌بستگی (MAQ) کارور (۱۹۹۷) انجام گرفت. یافته‌ها نشان داد که پرسشنامه از همسانی درونی مناسبی برخوردار است و ارتباط گویه‌ها با مؤلفه‌ها، معنی‌دار و همسو است. در نتیجه می‌توان گفت بر پایه داده‌ها،

گویه‌ها با عامل‌های مورد سنجش هماهنگی دارند و پرسشنامه کیفیت دل‌بستگی (MAQ) از اعتبار قابل قبولی برخوردار است.

یافته‌ها نشان داد مدل ۴ عاملی سبک دل‌بستگی که بر پایه مدل کارور (۱۹۹۷) درباره سبک دل‌بستگی ارائه شده بود نسبت به مدل سه عاملی مبتنی بر نظریه هازان و شیور (۱۹۸۷) از برازندگی بهتر و انطباق بیشتری با داده‌های جمع‌آوری شده برخوردار است. از این حیث یافته‌های این پژوهش با یافته‌های کارور (۱۹۹۷) کیم، کارور، دسی و کاسر (۲۰۰۸) و هولیس و میلر (۲۰۰۵) درباره ساختار ۴ عاملی پرسشنامه سبک‌های دل‌بستگی کارور (۱۹۹۷) همسو است. از نظر بارثولیمو و هارویتز (۱۹۹۱) تأثیر ارتباطات نخستین (به‌ویژه با والدین) و فرآیند دل‌بستگی در مراحل رشد و انتقال آن به روابط زوجی، موجب می‌شود که سبک دل‌بستگی در نگرش‌های فرد نسبت به خود و اطرافیان (به‌ویژه همسر) نمود پیدا کند. در نتیجه بر پایه این نظریه دو نوع نگرش (مثبت و منفی) به دو زاویه (خود و دیگری) منجر به چهار سبک دل‌بستگی می‌شود که این یافته پژوهش با نظریه منطبق است.

نتایج بررسی ویژگی‌های روایی به صورت اجرای هم‌زمان، نشان داد میان نمرات عامل دل‌بستگی ایمن با نمره‌ی پرسشنامه حرمت خود ارتباط مثبت وجود دارد و میان نمرات مربوط به عامل‌های دل‌بستگی اجتنابی و دل‌بستگی اضطرابی - اجتنابی با نمره‌ی حرمت خود ارتباط منفی وجود دارد. بر پایه نظریه بارثولومئو و هارویتز (۱۹۹۱) افراد دارای سبک دل‌بستگی ایمن در هم‌سنجی با سایر افراد نگرش بهتری به خود دارند ولی در سبک‌های دل‌بستگی اجتنابی و دل‌بستگی اضطرابی - اجتنابی فرد به‌ویژه در زمینه کارآمدی میان فردی، نگرش مطلوبی نسبت به خود ندارد. بنابراین یافته‌ی پژوهش با نظریه بارثولیمو و هارویتز (۱۹۹۱) و یافته‌های کارور (۱۹۹۷) همسو است. نتایج نشان داد میان نمرات عامل دل‌بستگی ایمن با نمره‌ی رضایت از زندگی ارتباط مثبت وجود دارد و میان نمرات مربوط به عامل‌های دل‌بستگی اجتنابی و دل‌بستگی اضطرابی - اجتنابی با رضایت از زندگی ارتباط منفی وجود دارد. این نتایج با یافته‌های برآمده از پژوهش‌های پیشین (کیم، کارور، دسی و کاسر، ۲۰۰۸؛ لیوی و لیتمن - اوادیا، ۲۰۱۱) همسو است. به‌زعم اولدرباک و فیگرو (۲۰۰۹) سبک دل‌بستگی به‌واسطه تأثیرگذاری بر عواطف مثبت و منفی در موقعیت‌های میان فردی بر بهزیستی ذهنی و رضایت از زندگی تأثیر می‌گذارد. بر این بنیاد به نظر می‌رسد که از آنجایی که فرد ایمن از دید هیجانی، اضطراب پایینی تجربه می‌کند و از دید شناختی نیز نگرش

مثبتی دارد، در نتیجه نسبت به زندگی خوش‌بین است و بهزیستی و رضایتمندی بالایی تجربه می‌کند و در سبک‌های غیر ایمن حالت عکس رخ می‌دهد.

در مجموع یافته‌های پژوهش نشان داد که پرسشنامه کیفیت دل‌بستگی کارور (۱۹۹۷) با مدل ۴ عاملی در جامعه مورد پژوهش از روایی کافی برخوردار است و مدل ۴ عاملی ارائه شده به وسیله کارور (۱۹۹۷) مورد تأیید قرار گرفت و روایی ساختاری عامل‌های آن تأیید گردید. همچنین بررسی همسانی درونی نشان داد که پرسشنامه مذکور از اعتبار کافی برخوردار است. ارتباط میان عامل‌های پرسشنامه دل‌بستگی با رضایت از زندگی و حرمت خود روایی آن را تأیید نمود. در مجموع می‌توان نتیجه گرفت، این پرسشنامه می‌تواند به‌عنوان ابزاری کارآمد برای ارزیابی سبک دل‌بستگی در محیط‌های بالینی و مشاوره‌ای و یا امور پژوهشی مورد استفاده قرار گیرد.

منابع

رجبی، غ؛ بهلول، ن. (۱۳۸۶). سنجش پایایی و روایی مقیاس حرمت خود روزنبرگ در دانشجویان سال اول دانشگاه شهید چمران. *مجله پژوهش‌های تربیتی و روان‌شناختی*، ۳(۸)، ۳۳-۴۸.

مظفری، ش. (۱۳۸۲). بررسی همبسته‌های شادمانی ذهنی بر پایه الگوی پنج عاملی در میان دانشجویان دانشگاه شیراز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی دانشگاه شیراز (چاپ‌نشده).

- Ainsworth, M. D. (1978). *Patterns of Attachment: A Psychological Study of the Strange Situation*. Lawrence Erlbaum Associates
- Alfasi, Y., Gramzow, R. H., & Carnelley, K. B. (2010). Adult attachment patterns and stability in esteem for romantic partners. *Personality and Individual Differences*, 48, 607-611.
- Bartholomew, K., & Horowitz, L. M. (1991). Attachment styles among young adults: A test of a four-category model. *Journal of Personality and Social Psychology*, 61, 226-244.
- Brennan, K. A., Clark, C. L., & Shaver, P. R. (1998). Self-report measurement of adult romantic attachment: An integrative overview. In J. A. Simpson & W. S. Rholes (Eds.), *Attachment theory and close relationships* (pp. 46-76). New York: Guilford Press.
- Carver, C. S. (1997). Adult attachment and personality: Converging evidence and new measure. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 23, 865-883.
- Creasey, G. (2002). Associations between working models of attachment and conflict management behavior in romantic couples. *Journal of Counseling Psychology*, 49, 365-375.
- Crowley, A. K. (2006). The relationship of adult attachment style and interactive conflict styles to marital satisfaction. Doctoral Thesis. Texas A & M University.
- Diener, E., Emmons, R. A., Larsen, R. J., Griffin, S. (1985). The Satisfaction with Life Scale. *Journal of Personality Assessment*, 49(1), 71-75.

- Feeny, J. A., Noller, P., Hanrahan, M. (1994). Assessing adult attachment: Developments in the conceptualization of security and insecurity. In B.B. Perling & W. I. I. Bernan (Eds). *Attachment in Adults: Clinical and Developmental Perspectives*. New York: Guilford press.
- Fraley, R. C., & Spieker, S. J. (2003). Are Infant Attachment Patterns Continuously or Categorically Distributed? A Taxometric Analysis of Strange Situation Behavior. *Developmental Psychology*, 39(3), 387–404.
- Fraley, R. C., Waller, N. G., & Brennan, K. A. (2000). An item-response theory analysis of self-report measures of adult attachment. *Journal of Personality and Social Psychology*, 78, 350-365.
- Haseley, Jamie L. (2006). Marital Satisfaction among Newly Married Couples: Association with Religiosity and Romantic Attachment Style. Doctoral Thesis. University of North Texas.
- Hazan, C, & Shaver, P. (1987). Romantic love conceptualized as an attachment process. *Journal of Personality and Social psychology*, 52, 511-524.
- Hollist. C. S, & Miller R. B. (2005). Perceptions of attachment style and marital quality in midlife marriage. *Family Relations*, 54, 46-58.
- Huis'in-Velt, E. M. J., Vingerhoets, A. J. J. M., & Denollet, J. (2011). Attachment style and self-esteem: The mediating role of Type D personality. *Personality and Individual Differences*, 50, 1099–1103.
- Lavy, S., & Littman-Ovadia. H. (2011). All you need is love? Strengths mediate the negative associations between attachment orientations and life satisfaction. *Personality and Individual Differences*, 50, 1050–1055.
- Matt, V. (2008). A note on the score reliability for the Satisfaction with Life Scale: an RG study. *Social Indicators Research*, 86, 47- 58.
- Noftle, E. E., & Shaver, P. R. (2006). Attachment dimensions and the big five personality traits: Associations and comparative ability to predict relationship quality. *Journal of Research in Personality*, 40, 179–208.
- Olderbak, S., & Figueredo. A. J. (2009). Predicting romantic relationship satisfaction from life history strategy. *Personality and Individual Differences*, 46, 604–610.
- Rosenberg, M. (1965). Society and the adolescent self-image. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Sibley, C. G. (2007). The association between working models of attachment and personality: Toward an integrative framework operationalizing global relational models. *Journal of Research in Personality*, 41, 90-109.
- Stackert, R. A., & Bursik, K. (2003). Why am I unsatisfied? Adult attachment style, gendered irrational relationship beliefs, and young adult romantic relationship satisfaction. *Personality and Individual Differences*, 34, 1419–1429.
- West, M. L., & Sheldon-Keller, A. E. (1994). *Pattern of relating: An adult attachment perspective*. New York: Guilford.
- Whiteway. M. (2002). Adult attachment styles and their relationship to marital satisfaction in couples. Doctoral Thesis. Seton Hall University, College of Education and Human Services.
- Wu, C. (2009). The relationship between attachment style and self-concept clarity: The mediation effect of self-esteem. *Personality and Individual Differences*, 47, 42–46.

Factor structure, Validity, and reliability of Persian form of Measure of Attachment Qualities (MAQ) in married couples: Multidimensional conceptualization of marital attachment

Omid Isanezhad, Ph.D.

Mansor Agashteh, M. A.

Mehran Alipor, M. A.

Abstract

New approaches to construction and assessment of attachment dimensions reject category-based pattern. Nevertheless, the adult attachment assessment instruments that are using in Iran, classify and placement the individuals based on attachment type yet. This research done to render and investigate the characteristics of reliability, validity, and factorial construct of measure of attachment quality (MAQ) questionnaire, with the aim to design new patterns of attachment assessment among married adults. This research is a descriptive and survival and sample of the study included 520 subjects who selected randomly among the married clients who came to counseling centers of Isfahan. Research instruments included measure of attachment quality (MAQ), self-esteem, and satisfaction with life (SWL) questionnaires. Results confirmed the correctness of measure of attachment quality (MAQ) questionnaire translation and showed that the rate of Cronbach's alpha and Gattman split half for all questionnaire dimensions is higher than 0.7 and the correlation of each item with relevant factor is higher than 0.6. Retest score correlation with 3 months intervals obtained 0.7 for all dimensions. Confirmatory factor analysis results confirmed four-factor structure of the questionnaire. The correlation test results showed that there was a positive and meaningful relationship between secure attachment with satisfaction with life (SWL) and self-esteem. In addition, the relationship between avoidant attachment, ambivalence merger attachment and ambivalence worry attachment with satisfaction with life (SWL), was negative ($p > 0.01$). A negative relationship obtained between avoidant attachment and ambivalence merger attachment with self-esteem ($p < 0.05$). Relationship between avoidant attachment and ambivalence merger attachment, as well as ambivalence worry attachment was positive ($p < 0.01$). Based on the results of the research, the measure of attachment quality (MAQ) questionnaire has optimal reliability and validity in research population and can used in clinical and research issues.

Key words: *attachment quality questionnaire, reliability, validity, factor structure*

Contact information: farhangmad@gmail.com